

درست

درست

نادرست

نادرست

نادرست

درست

هفته نامه

گرداگرد

غریب

سبزه زار

میاسای ز آموختن یک زمان / ز دانش میفکن دل اندر گمان
مرا در حضرت خود کامران دار / ز کژ گفتن، زبانم در امان دار

- از هر دستی بدی، از همان دست می گیری. - هر چه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی .
- هر چه دارا تر، گرفتار تر. - هر که بامش بیش، برفش بیشتر .
- با یک گل بهار نمی شود. - یک دست صدا ندارد.
- با دم شیر بازی کردن - پنجه با شیر و مشت با شمشیر زدن.

۵ کار صدها، صدهزاران تیغی شمشیر کرد آرش.

۶ کلاس - حیاط - مدرسه

برگ - شاخه - درخت

- ای فرزند من، این توصیه را از من به یاد داشته باش؛ تو انسان بزرگسال فردا هستی، زندگی ممکن است خوب یا بد پیش برود؛ اما در هر صورت زیباست.
- راه را آب و جارو کنی که هر لحظه یار زیبا می رسد (به استقبال بروید) / به باغ خیر خوب دهید که بوی بهار می آید.
- غیر از حضرت علی چه کسی به پسرش می گوید که وقتی قاتل من در دست تو اسیر است؛ با او به نیکویی رفتار کن؟
- از سوی خدا پیام آمد که این چه فکر نادرستی است که می کنی؟ کسی که در راه ما قدم برداشته حالا به مقصد رسیده است. (در امان است).





۸

- دانا - صبر / شکیبایی - آرام - هدیه
- خوشحال - فایده - خاور / شرق - تاجر

۹

- شب - دزدید - مرگ - پرستار کودک

- می راند.
- در آن برنج و گندم می روید.
- از کسی تقدیر (تشکر) می کنند.

۱۰

۱. خداوند
۲. پروین اعتصامی
۳. شهید بهنام محمدی
۴. حمیدرضا منتظر ابدی
۵. در کنار رود جیحون - بر تنه درخت گردویی
۶. تشنه یادگیری و دانش اندوزی بود - دانا بود - دانشمند بزرگی بود.

۱۱

